روزنامه شرق

پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵
۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۵ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان ازابلاغ نظام‌نامه جدید سازمان نظام مهندسی خبرداد

حذف بستر فسادآور

مهندسان ناظر ساختمان

۳

سرمقاله

آش نخورده، دهان سوخته



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

امام‌جمعه موقت تهران فرمودند حسب نظرخواهی انجام‌شده، اکثریت مردم خواهان تجدیدنظر در راهبردهای هسته‌ای ایران هستند و مناسب است که در این مورد تجدیدنظر شود. از سویی، امام‌جمعه مشهد فرمودند اینک لازم است بمب هسته‌ای داشته باشیم و نیز کم‌وبیش افراد دیگر این‌گونه سخن می‌گویند و راهبردی که رهبر شهیدمان بر آن پای می‌فشردند و عناصر دشمن آن را تنها یک پوشش می‌دانستند، رسما زیر سؤال می‌برند. در حقیقت بر نظر دشمنان که ایران از ابتدا به دنبال سلاح هسته‌ای بوده، صحه می‌گذارند و در جهت تقویت رئیس‌جمهور آمریکا که می‌گوید ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد، نظریه می‌دهند تا بهانه‌ای جدید به دست دشمنان برای کوبیدن سر مار -به قول آریل شارون قصاب- داده باشند. از آن سو، فردی که نسبت شهرتش به شهری در آذربایجان می‌رسد اما متولد آمریکاست، می‌گوید اگر ما از NPT خارج شده بودیم، آمریکا به ما حمله نمی‌کرد. البته افاضات ایشان بی‌سابقه نیست، همچون سرمازدگی اروپا از کمبود گاز و دیگر مطالب که هیچ‌کدام به واقعیت نپیوست. سؤال نخستین اینجاست در جایی که رهبرمان هم از نظر جسمی و هم از نظر عقلی در کمال هستند و سیاست‌های اصلی کشور به ایشان بازمی‌گردد، این افراد چه‌کاره هستند که چنین برای سرنوشت کشور جامه می‌دوزند؟ همین‌جا می‌گویم که این نویسنده داشتن هر امکان فنی ازجمله سلاح اتمی را حق ایران می‌داند و بسیار غیرقابل قبول است که برخی کشورها آن را داشته باشند و برخی حق داشتن آن را نداشته باشند، اما باید ببینیم در چه دنیایی زندگی می‌کنیم و چه شرایطی بر امروز دنیا حاکم است -من نه صلاحیت دارم و نه می‌خواهم که به سیره ائمه‌مان(ع) وارد شوم- آنچه بیان می‌شود نگاه استدلالی و نه خوداندیشانه به جهان و روزگار است. امروز قدرت‌های فائقه هیچ حد و مرزی برای اقدامات خود قائل نیستند، نه سازمان ملل و نه منشور ملل متحد را جدی می‌گیرند و نیز برای حقوق بشر و حقوق ملت‌ها تره خرد نمی‌کنند. امروز دقیقا قانون جنگل در دست قدرت‌های بزرگ است و شرق و غرب هم ندارد. ذکر اقدامات قدرت‌طلبانه و نابودکننده هم شرق و هم غرب موجب ملال خاطر بیشتر می‌شود. تجاوز وحشیانه آمریکا و اسرائیل، در عین بی‌عملی سازمان ملل، نمونه خوی وحشیگری قدرت‌های بزرگ است و حتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کوچک‌ترین اعتنایی به اقدامات خلاف آمریکا در بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران نشان نداد. حال در این شرایط کوبیدن بر طبل ساخت بمب اتمی به‌جز آنکه آمریکا و اسرائیل را در حملات پیش‌دستانه به ایران جری‌تر کرده و البته افکار عمومی و حتی روسیه و چین را با آمریکا همسو می‌کند و همچنان بی‌عمل باقی می‌مانند و حتی ممکن است به محکومیت ایران از سوی آنها منتهی شود، حکایت از چه چیز دارد. اگر هم فکر می‌کنیم با این کلمات رعب و وحشت در دل دشمنان استکباری پدید می‌آید، بر فرض صحت، اراده آنها را در نابودی ایران بیشتر برمی‌انگیزد و افکار عمومی دنیا با این شعارهای همسو با اهداف اسرائیل و آمریکا در جهت آنها سوق داده می‌شود. ما اینک در دنیایی هستیم که به هیچ ضابطه و قانونی پایبند نیست. چراغ‌های سبزی مانند نامه ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نمی‌تواند واقعیت داشته باشد؛ هرچند آن را هم باید مغتنم شمرد و بی‌پاسخ معقول نگذاشت. اما همه بدانیم وقتی در متن سیاست‌های اسرائیل، جنگ را مایه حیات خود قرار می‌دهند و برای اجرای آن عده و عُده فراوان جمع کرده‌اند، تدبیر فراوان برای خنثی‌کردن آن لازم است؛ هم تدابیر نظامی و دفاعی و هم تدابیر پیشگیری و اتحاد و انسجام و پرهیز از هر سخن خارج از چارچوب سیاست‌های رسمی و «منم رستم پهلوان» گفتن. توجه کنیم حرف برخی آدم‌ها بر اساس ارتقای ظواهر و بزرگ‌شدن خودشان است، نه منافع ملی و علی‌رغم ظاهر موجه‌شان، به حفظ دماء مسلمین که دین مبین اسلام هم به آن سفارش کرده، وقعی نمی‌نهند و حداکثر بر این اندیشه‌اند که کلام و شعار آنان در دل دشمنان رعب ایجاد می‌کند و این از اندیشه انقلابی و اسلامی صدها فرسنگ فاصله دارد. سخن از تضعیف دفاع مقدس نیست؛ به هر وسیله و به هر رو باید از کیان میهن دفاع کرد. سخن از حرکت بی‌منطق و بی‌نتیجه و موجه جلوه‌دادن اندیشه پلید دشمن است. آخر آنکه با شهیدشدن رهبر فرزانه‌مان، افکار و فتاوی ایشان نباید شهید شود؛ اندیشه ایران، حفظ ایران، سربلندی ایران، قدرتمندشدن ایران نه مخروبه‌کردن و تبدیل آن به کنام روباه‌ها و گرگ‌ها.

در «شرق» امروز می‌خوانید: استقبال هالیوود از سونامی دموکرات‌ها • صعود یزدانی در رنکینگ جهانی • اسرائیل در آستانه بن‌بست سیاسی و پیامدهای منطقه‌ای آن

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی:

صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل

گزارش تبتریک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه‌های ۲، ۳، ۴ و ۸ بخوانید. عکس: Gettyimages

پرونده

شکست میان‌دوره‌ای جمهوری‌خواهان، آینده نزدیکان ترامپ و رقابت ۲۰۲۸ را تحت تأثیر قرار داد

فروریختن سنگرهای سنتی جمهوری‌خواهان

گزارش «شرق» از شکست جمهوری‌خواهان، آینده ماگا و سرنوشت جنگ ایران

واکنش مردم جهان به انتخابات آمریکا

یادداشت

فورگ؛ آمیزه فخر و فقر در روستای ایرانی



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

هفته گذشته را با گروهی از دانشجویان معماری دانشگاه تهران در روستایی بی‌نظیر و کهن در جنوب خراسان گذراندیم. روستایی فاخر به لحاظ منظر فضای مصنوع و طبیعت و فقیر از نظر ترکیب اجتماعی جمعیت و امکانات اقتصادی ساکنان امروزش. صد حیف و باز افسوس که ما قدر این گنجینه‌های بی‌مثال ایران‌مان را نمی‌دانیم و حتی بعد از برخی رسیدگی‌ها و کشیده‌شدن دستی از سوی دولت بر سر و روی روستا در دهه گذشته، باز روستا زیر غباری از بی‌توجهی از سوی ساکنان خود، به‌ویژه جوانان، چهره زیبای خود را پنهان می‌کند و زندگی در محیط روستا آن‌طور که باید و شاید به صورت فعال جریان نمی‌یابد. امروز در این یادداشت از زوایای مختلف به فورگ (Foorg)، این روستای تاریخی و باابهت استان خراسان می‌پردازم و چشم‌اندازهای ممکن برای آینده آن را ترسیم می‌کنم؛ زیرا مشت نمونه خروار است و هم مشکلات اقتصادی و اجتماعی فورگ کمابیش در روستاهای دورافتاده‌تر کشورمان تکرار می‌شوند و هم چاره‌های این دردها بیش و کم یکی است. در معرفی فورگ در وب چنین آمده: روستای گردشگری فورگ، یکی از کهن‌ترین آبادی‌های شهرستان دَرمیان (Darmian)، با قلعه‌ای عظیم و باابهت، در زمان نادرشاه توسط میرزا بقاخان حاکم منطقه ساخته شده، اما آن را به خاطر سنگ‌نوشته‌ای به مظفر کیقباد و دوره ساسانی هم نسبت می‌دهند. در دوره ساسانیان منطقه قهستان ایالتی بوده بین شهرهای بزرگی همچون هرات و نیشابور که علاوه بر آبادانی و داشتن روستاهای حاصلخیز، به داشتن مردمان و جنگاورانی بااستعداد و سلحشور نیز معروف بوده است. ما نیز آخر هفته گذشته شاهد بودیم که دو اتوبوس بزرگ توریست مشهدی و گیلانی به فورگ آمدند، اما سریع بعد از بازدید از آن قلعه باشکوه از آنجا رفتند؛ زیرا هیچ‌گونه زیرساخت خدماتی برای پذیرایی از آنها در روستا وجود نداشت. در آمار آمده که فورگ روستایی در ۱۰۷کیلومتری جنوب شرقی بیرجند با ۱۹۵ خانوار و ۸۲۳ نفر جمعیت است که قاعدتا آمار مربوط به ۱۰ سال پیش است؛ زیرا امسال شاهد بودیم که آمارگیر جوانی در ده می‌چرخید و ناامید، آمار جمع می‌کرد. به‌خوبی متوجه شدیم که روستا هر سال تعدادی از جمعیت جوان و فعال و نیز کودکان خود را از دست داده است. تنها کودکانی که در روستا دیدیم، چند بچه‌ای بودند که با خانواده‌شان از زاهدان آمده بودند تا دیداری کوتاه با خانواده و پدربزرگ و مادربزرگ‌شان داشته باشند و نیز چند پسربچه نوجوان که از دیدن دانشجویان همراه ما به شوق آمده بودند و با دوچرخه‌هایشان دور ما می‌گشتند و خودنمایی می‌کردند. فورگ منظری زیبا و یکدست دارد. روی شیبی تند و در دامنه کوه مؤمن‌آباد، درست زیر قلعه بزرگ کهنش ساخته شده است. دارای آب‌وهوای سرد کوهستانی است و جزء مناطق ییلاقی خراسان جنوبی به شمار می‌رود. شغل اکثر مردم این ناحیه کشاورزی و باغداری بوده که ما در دو روزی که میهمان روستا بودیم، برداشت زرشک را شاهد بودیم. این کار شاق، بیشتر توسط بانوان مسن‌تر و فقیر ساکن روستا انجام می‌شد. دامداری نیز شغل دوم آنها محسوب می‌شود. زرشک مهم‌ترین محصول و شاخصه این مناطق است که اهالی جوان غیرساکن به تجارت آن در بیرجند مشغول هستند. تمام اطراف فورگ را دشت‌های وسیع با باغستان‌های زرشک احاطه کرده و هر منظره‌ای در اینجا، یا به قلعه ختم می‌شود یا به درختان سرخ زرشک که به بار نشسته‌اند. کوچه‌های تنگ و زیبای شیب‌دار، ساباط‌های بی‌شمار، معماری کوهستانی، معماری پلکانی با مصالح سنگ و خشت و آجر و چوب، مساجد قدیم و جدید با ایوان‌های دلباز گشوده رو به دشت‌های زیر پا، ورودی‌های تعریف‌شده با طاق و ساباط، همگی از ویژگی‌های بارز معماری روستاست که به فیض طرح جداره‌سازی‌های معمول بنیاد مسکن در روستاها، چند سال پیش توسط دکتر غلامرضا اکرمی، معمار و استاد قدیمی دانشگاه تهران و همکاران، به نوعی بازآفرینی شده و شکل و منظر زیبا و منظمی پیدا کرده است، اما متأسفانه تمیز نگه داشته نمی‌شود. باید گفت علی‌رغم این کوشش‌ها، به خاطر خشک‌سالی دهه‌های اخیر و از آن مهم‌تر به دلیل ایجادنشدن شبکه باکفایتی از فعالیت‌های اقتصادی بومی به‌هم‌پیوسته و مرتبط با گردشگری، این روستای تاریخی نیز مانند ده‌ها روستای دیگر در منطقه، به نوعی رها شده است؛ به‌خصوص توسط ساکنان خود روستا که بیشتر به اسدیه و بیرجند، یعنی شهرهای بزرگ‌تر اطراف کوچ کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

پازل اقتصاد جنگ در چهار پرده



آنوش رحام

جنگ‌ها همیشه در نقطه اصابت موشک‌ها تعیین تکلیف نمی‌شوند؛ گاهی میدان اصلی نبرد نه در آسمان و نه در خاک کشورها، بلکه در بورس‌های انرژی، ریسک‌های بیمه‌ای، زنجیره‌های تأمین، هزینه حمل‌ونقل دریایی و حتی صورت‌حساب ماهانه یک کشتی تفریحی هزاران کیلومتر دورتر از میدان جنگی شکل می‌گیرد. آنچه امروز در تقابل ایران و ایالات متحده در جریان است، صرفا یک رویارویی نظامی متعارف نیست؛ نمونه‌ای از انتقال میدان نبرد از جغرافیای نظامی به قلب اقتصاد جهانی است. در چنین وضعیتی، ممکن است یک طرف روی کاغذ برتری نظامی نسبی داشته باشد، اما در اقتصاد جنگ با هزینه‌هایی مواجه شود که محاسبه اولیه آن را به‌کلی تغییر دهد.

این همان پازلی است که پاسخ نهایی آن نه در آسمان خلیج فارس، بلکه در اقتصاد جهانی و آینده نظم امنیتی منطقه رقم خواهد خورد. برای فهم این پازل، باید تحولات اخیر را در چهار پرده به یکدیگر متصل کرد.

پرده اول؛ سلاح ترس و سیاست بازتولید اضطراب

دونالد ترامپ در گردهمایی انتخاباتی خود در کارولینای جنوبی، در دفاع از حمله نظامی به ایران مدعی شد ایالات متحده ناگزیر بوده است به ایران حمله کند؛ زیرا به گفته او، ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. رئیس‌جمهوری آمریکا که بر اساس نظرسنجی رویترز/ ایپسوس در سپتامبر ۲۰۲۶ با کاهش محبوبیت به حدود ۳۲ درصد رسیده بود، بار دیگر و برای چندمین مرتبه از آغاز جنگ، از پایان سریع درگیری‌ها سخن گفت و وعده داد شرایط به‌زودی عادی شده و قیمت حامل‌های انرژی کاهش خواهد یافت. این وعده‌ها را نمی‌توان صرفا اظهارنظرهای معمول یک رئیس‌جمهور در شرایط جنگی تلقی کرد. ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر، با یک بحران سیاسی جدی مواجه بود: جنگی که قرار بود نمایش قدرت آمریکا باشد، اکنون به یکی از متغیرهای اثرگذار بر هزینه زندگی شهروندان آمریکایی تبدیل شده است. در سیاست تمام رؤسای جمهور آمریکا و بالاخص ترامپ، عنصر ترس همواره یک ابزار ویژه بوده است؛ از تهدید به استفاده از سلاح‌های ویرانگر گرفته تا ادبیات نمایشی درباره حمله‌ای با شدت بی‌سابقه و آنچه رسانه‌ها از آن با عنوان «مادر بمب‌ها» یاد کرده‌اند تا اعلام‌های مکرر پیروزی بر ایران. این ادبیات بیش از آنکه صرفا حامل یک پیام نظامی باشد، کارکرد روانی دارد: ایجاد تصور برتری مطلق، القای ناتوانی طرف مقابل و انتقال این پیام که مقاومت بیشتر، هزینه‌ای غیرقابل تحمل خواهد داشت تا فشار حداکثری به اقتصاد ایران و اعمال محدودیت در تأمین کالاهایی غیرقابل تحریم مثل غذا و دارو با هدف ایجاد هروله و ناامنی. اما جنگ روانی زمانی کارآمد است که با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف همخوانی داشته باشد. در شرایطی که شهروندان آمریکا و کشورهای مصرف‌کننده نفت هر روز افزایش قیمت انرژی و بنزین، هزینه حمل‌ونقل و ریسک بالای بیمه، تورم مواد غذایی و فشار بر بودجه خانوار را تجربه کنند، نمایش قدرت نظامی لزوما به سرمایه سیاسی برای ترامپ تبدیل نخواهد شد. در همین چارچوب، پوشش رسانه‌ای گسترده بازدید برد کوپر، فرمانده سنتکام، از تنگه هرمز و تأکید بر حضور حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در منطقه، بخشی از عملیات رسانه‌ای واشینگتن برای نمایش کنترل عملیاتی بر آبراهه حیاتی خلیج فارس بود. برد کوپر در اظهارات و پیام ویدئویی خود اعلام کرد مسیرهای اصلی کشتیرانی تنگه هرمز از مین‌های دریایی پاک‌سازی شده و تردد کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها با پشتیبانی نیروهای آمریکایی جریان دارد. او همچنین از عبور هزاران کشتی تجاری و نفتکش در ماه‌های گذشته سخن گفت و اعلام کرد در جریان این بازدید، اثری از سپاه پاسداران در تنگه هرمز ندیده است. البته باید میان ادعای رسمی فرماندهی مرکزی آمریکا و واقعیت مستقل تردد دریایی تفاوت قائل شد. اعلام پاکسازی مسیرها یا تأمین امنیت کشتیرانی، مثل پست‌های ترامپ در سوشال‌مدیا، از سوی بازار جهانی به معنای بازگشت اعتماد و ثبات در بازار و کاهش ریسک‌های جنگی از سوی شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران و مالکان نفتکش‌ها نیست. در اقتصاد دریایی جهان، امنیت صرفا به معنای نبود مین یا حضور ناو جنگی نیست؛ امنیت یعنی مالک کشتی بتواند با اطمینان درباره ریسک حرکت، هزینه بیمه، نرخ حمل، دسترسی به سوخت با قیمت منطقی و تحویل محموله تصمیم بگیرد و در یک گام بالاتر کلوپ‌های بیمه P&I هستند که مفهوم ریسک جنگی را تحلیل و نتیجه‌گیری می‌کنند. به همین دلیل، تصاویر یک فرمانده آمریکایی در حال پرواز بر فراز یک آبراهه، حتی اگر از منظر نظامی حامل پیام قدرت باشد، نمی‌تواند جایگزین اعتماد اقتصادی بازار حمل‌ونقل دریایی شود. مسئله اصلی اینجاست که واشینگتن تلاش می‌کند امنیت را به تصویر بکشد، اما بازار برای بازگشت به وضعیت عادی به امنیت قابل محاسبه نیاز دارد. و این متغیر کلیدی تا زمانی که ایران نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد.

ادامه در صفحه ۷

برگزیده‌ها

راهپیمایی ۱۳ آبان در سایه جنگ، با محوریت شهدای میناب و مطالبات تازه در سیاست خارجی و هسته‌ای

خیابان در امتداد جنگ

۷

گزارش «شرق» از ناامنی اقتصادی، ترس از بیکاری و ضعف قانون که زنان را در موقعیت تحمل آزار در محیط کار قرار داده است

زنان در دوراهی معیشت و آزار

۵

تعویق مسابقات جام ملت‌ها به‌دلیل شرایط منطقه

زنگ خطر برای ژنرال به صدا درآمد؟

۶

مردی که فوتبال ایران به او بدهکار است

بدرود حسن آقا

۶

نگاه

نشانه‌شناسی یک روز خاص

یادداشتی از پویا نعمت‌اللهی

۸

سقف سنی جذب هیئت‌علمی باردیگر جابه‌جا شد

یادداشتی از حسین نیکوی‌بندری

۵

یادداشت

تلخند صندوق حمایت



محمد صالحی

وکیل پایه‌یک دادگستری، کانون وکلای دادگستری مرکز

از تأسیس صندوق حمایت وکلا بیش از نیم‌قرن می‌گذرد؛ صندوقی که قرار بود در بزنگاه‌های تلخ زندگی، پشت و پناه وکلای دادگستری و خانواده‌های آنان باشد، اما امروز، خود بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت است. بیش از سه ماه از پایان دوره سه‌ساله هیئت‌مدیره صندوق حمایت می‌گذرد، اما حضرات به‌جای آنکه برای برگزاری انتخابات قیام و اقدام کنند، اخیرا به دنبال اصلاح اساسنامه و ماندن در جایگاهی هستند که دوره تصدی آن به پایان رسیده است. رئیس مجمع عمومی صندوق حمایت وکلای دادگستری که ریاست کانون وکلای دادگستری مرکز را نیز بر عهده دارد، تاکنون اقدام عملی مؤثری در راستای برگزاری انتخابات مجمع عمومی صندوق انجام نداده است. صندلی‌های ساختمان خیابان شهید دستگردی (ظفر)، ظاهرا چنان نرم و دل‌کندن از آنها برای مستقران در آن چنان دشوار است که گویی ترک این جایگاه، از جان‌دادن هم سخت‌تر است. بر این پایه، در اندیشه اصلاح اساسنامه به منظور ماندن در این جایگاه هستند. اما بیت‌القصید فی‌هذاالباب، یا به تعبیر امروزی، شاه‌بیت غزل، آنجاست که حضرات در اصلاح اساسنامه، ظاهرا اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنند:

۱- تعیین حقوق برای خود؛ احتمالا از نوع نجومی: اقدامی که در صورت تحقق، با فلسفه وجودی صندوق حمایت وکلا که خدمت در آن اساسا باید افتخاری باشد، در تعارض جدی قرار خواهد گرفت. اگر قرار باشد چنین شود، از این پس برای تصاحب کرسی‌های هیئت‌مدیره صندوق حمایت، برخی افراد ممکن است به روش‌های... متوسل و متشبث شوند. البته، گل بود به سبزه نیز آراسته شد.

۲- افزایش دوره عضویت در هیئت‌مدیره از دو دوره به سه دوره: محدودیت عضویت در هیئت‌مدیره صندوق به دو دوره، با اصول گردش دموکراتیک قدرت سازگار است و می‌تواند مانعی در برابر انحصار باشد. هر مدیر توانمندی فرصت دارد در طول دو دوره، هنر مدیریتی، ابتکارات و توانایی‌های خود را به منصه ظهور برساند.

ادامه در صفحه ۵